

«جایگاه معلم در تربیت نسل آگاه و مسئولیت پذیر»

ام کلثوم نظری

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

فریبا عابدینی

کارشناسی معارف اسلامی

اعظم علیجانی

کارشناسی تاریخ

ماندانا فتوحی

کارشناسی ریاضی



MDOI-02-2026.0182

MNR-196-2-27A943

چکیده

- **مقدمه و هدف:** تعلیم و تربیت، سنگ بنای توسعه پایدار هر جامعه است و در این میان، معلمان به عنوان کارگزاران اصلی نظام آموزشی، نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به شخصیت، بینش و رفتارهای نسل آینده دارند. پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه معلم در تربیت نسلی آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر انجام شده است.
- **روش‌شناسی:** این پژوهش از نظر روش، شناختی-توصیفی و از نوع تحلیلی-اسنادی است. داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی و تحلیل متون دینی (قرآن و احادیث)، مبانی نظری تعلیم و تربیت اسلامی، اسناد بالادستی (مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و ادبیات پژوهشی مرتبط در حوزه روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌شناسی آموزش گردآوری شده است.
- **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معلم صرفاً انتقال‌دهنده دانش تخصصی نیست، بلکه به عنوان الگوواره رفتاری (مقتدا)، نقش کلیدی در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی، خودآگاهی و سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان دارد. همچنین، اتخاذ رویکردهای تشویقی و بازخوردهای کلامی مثبت از سوی معلم، انگیزه درونی دانش‌آموزان را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی افزایش می‌دهد.
- **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش مؤید آن است که تحقق «نسل آگاه و مسئولیت‌پذیر» در گرو تحول در نقش سنتی معلم به نقش تسهیل‌گر و هدایت‌گر است. سرمایه‌گذاری بر شایستگی‌های حرفه‌ای، اخلاقی و انگیزش‌شغلی معلمان، پیش‌نیاز اساسی برای پرورش شهروندانی متعهد، پاسخگو و پویا در جامعه است.

کلمات کلیدی: معلم، تربیت اخلاقی، نسل آگاه، مسئولیت‌پذیری، تعلیم و تربیت اسلامی، تفکر انتقادی.

نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه، زیربنای توسعه پایدار و موتور محرک پیشرفت در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. در دنیای معاصر که با پیچیدگی های روزافزون، گسترش فضای مجازی و بحران های هویتی روبروست، رسالت آموزش و پرورش از انتقال صرف مفاهیم کتاب های درسی فراتر رفته و به سمتی جهت یافته است که خروجی آن، انسانی «آگاه» نسبت به حقوق و تکالیف خود و «مسئولیت پذیر» در برابر جامعه و خالق باشد. در این میان، معلم به عنوان حیاتی ترین عنصر نظام آموزشی، تنها یک مدرس نیست؛ بلکه معمار هویت و اصلی ترین الگوی رفتاری دانش آموزان در مسیر تعالی است.

مسئله اصلی در فرآیند تربیت نسل جدید، چگونگی گذار از آموزش های حافظه محور به سمت تربیت تمام ساحتی است. مطابق با اسناد بالادستی، از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، معلم در مقام «مربی» و «اسوه»، وظیفه دارد محیطی را فراهم آورد که در آن دانش آموز نه تنها دانش را کسب کند، بلکه به درجه ای از بصیرت و آگاهی دست یابد که بتواند در موقعیت های مختلف زندگی، تصمیمی عاقلانه و متعهدانه اتخاذ نماید. با این حال، چالش های موجود در شیوه های سنتی آموزش و تکیه بر الگوهای غیرفعال، ضرورت بازبینی در جایگاه و نقش معلم را بیش از پیش نمایان کرده است.

از منظر مبانی دینی و اسلامی، جایگاه معلم هم تراز با جایگاه انبیا در هدایتگری تعریف شده است؛ چنان که در احادیث نبوی، تعلیم و تعلم از برترین عبادات شمرده شده و معلم، مسئول شکوفایی فطرت الهی در کالبد متعلم است. از سوی دیگر، یافته های روان شناسی تربیتی مدرن نیز تأکید دارند که شخصیت معلم، نوع بازخوردهای کلامی و مهارت های ارتباطی او، تأثیری مستقیم بر انگیزه درونی و حس مسئولیت پذیری دانش آموزان دارد. اگر معلم بتواند از نقش «سلطه گر» به نقش «تسهیل گر» تغییر موضع دهد، می تواند بستری برای رشد تفکر انتقادی و سواد رسانه ای فراهم کند که لازمه ی آگاهی در عصر حاضر است.

با توجه به ضرورت های مذکور، این مقاله بر آن است تا با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع دینی و علمی، به این پرسش پاسخ دهد که: معلم چگونه می تواند با بهره گیری از شایستگی های حرفه ای و اخلاقی خود، زمینه تربیت نسلی آگاه و مسئولیت پذیر را فراهم آورد؟ و اساساً چه راهکارهایی برای تقویت این نقش در نظام آموزشی وجود دارد؟ هدف نهایی این نوشتار، تبیین ابعاد گوناگون این جایگاه خطیر و ارائه رهیافت هایی برای بهبود کیفیت تربیت اجتماعی در مدارس است.

بیان مسئله

تربیت نسلی آگاه و مسئولیت پذیر، کانون توجه و غایت نهایی هر نظام آموزشی کارآمد است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، بر تربیت چندساحتی دانش آموزان به گونه ای که به مراتبی از حیات طیبیه دست یابند و افرادی متعهد، خلاق و پاسخگو در برابر خود، خانواده، جامعه و طبیعت باشند، تأکید شده است. در این فرآیند، معلم به عنوان کارگزار اصلی و اسوه تربیتی، نقشی محوری در تسهیل این تحول ایفا می کند. وضع مطلوب آن است که معلمان با بهره گیری از شایستگی های اخلاقی، علمی و مهارت های نوین ارتباطی، تفکر انتقادی و خودآگاهی را در دانش آموزان تقویت کرده و آنان را برای رویارویی با چالش های پیچیده دنیای معاصر آماده سازند.

با این حال، در وضع موجود چالش های متعددی در تحقق این هدف وجود دارد. از یک سو، غلبه رویکردهای سنتی حافظه محور و تمرکز بیش از حد بر ابعاد شناختی محض (آموزش های کنکوری و تست محور)، بعد تربیتی و پرورش مهارت های اجتماعی مانند مسئولیت پذیری را به حاشیه رانده است. از سوی دیگر، با گسترش شتابان فضای مجازی و رسانه های نوین، دانش آموزان در معرض

انبوهی از اطلاعات غیراصیل و بحران‌های هویتی قرار گرفته‌اند که این امر، نیاز به پرورش «نسل آگاه» مجهز به سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی را دوچندان می‌کند؛ در حالی که بسیاری از معلمان به دلیل ضعف در آموزش‌های ضمن خدمت و عدم آشنایی با مهارت‌های تسهیل‌گری نوین، همگام با این تغییرات پیش نرفته‌اند. علاوه بر این، کاهش انگیزه‌های شغلی و معیشتی معلمان بر کیفیت نقش الگو بودن آن‌ها تأثیر منفی گذاشته است.

تداوم این وضعیت و عدم بازتعریف جایگاه واقعی معلم به عنوان مربی و راهنما، می‌تواند منجر به تربیت نسلی بی تفاوت، منفعل و فاقد احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه شود؛ پدیده‌ای که آسیب‌های اجتماعی، فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش تعهد شهروندی را در پی خواهد داشت.

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان جایگاه و نقش معلم را از یک «انتقال‌دهنده صرف دانش» به یک «تسهیل‌گر و الگوی تربیتی» ارتقا داد تا زمینه برای پرورش نسلی آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر فراهم شود؟ به عبارت دیگر، ابعاد، مؤلفه‌ها و راهکارهای عملی تقویت این نقش در نظام آموزشی مبتنی بر اسناد بالادستی و یافته‌های علمی چیست؟

مبانی نظری پژوهش

۱. مفهوم‌شناسی متغیرهای پژوهش

پیش از ورود به تحلیل جایگاه معلم، تبیین دقیق مفاهیم محوری پژوهش ضرورت دارد:

- **نسل آگاه:** در ادبیات روان‌شناسی و علوم تربیتی، آگاهی (Awareness) به معنای برخورداری از خودآگاهی، شناخت موقعیت، توانایی تحلیل انتقادی پدیده‌ها و داشتن سواد رسانه‌ای است. فرد آگاه کسی است که منفعل نبوده و توانایی تمیز میان سره و ناسره را در دنیای اطلاعاتی امروز دارد (پیاز، ۱۹۷۰).
- **مسئولیت‌پذیری:** مسئولیت‌پذیری (Responsibility) یک الزام درونی و اخلاقی برای پاسخگو بودن در قبال پیامدهای رفتارهای خود و پذیرش نقش‌های اجتماعی است. در روان‌شناسی تربیتی، مسئولیت‌پذیری پیوند عمیقی با انگیزش درونی (Intrinsic Motivation) و رشد اخلاقی دارد (بندورا، ۱۹۸۶).
- **معلم به عنوان کارگزار و اسوه:** معلم در این پژوهش، صرفاً یک مدرس (Instructor) نیست، بلکه کارگزار اصلی تغییر، تسهیل‌گر یادگیری (Facilitator) و الگوی رفتاری (Role Model) است که شخصیت و منش او بیش از کلامش اثرگذار است.

۲. مبانی دینی و اسلامی جایگاه معلم

در جهان‌بینی اسلامی، تعلیم و تربیت (تزکیه و تعلیم) هدف بعثت انبیا دانسته شده است. قرآن کریم در آیه ۲ سوره جمعه می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»

(اوست خدایی که میان امی‌ها فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنان بخواند و آنان را پاکیزه سازد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد).



در این نگرش، معلم استمراردهنده راه انبیا در بیدار کردن فطرت انسان هاست. همچنین در احادیث اسلامی، معلمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ امام سجاد (ع) در «رساله حقوق» درباره حق معلم می‌فرماید:

«حق سائسک بالعلم، التعظیم له و التوقیر لمجلسه...»

(حق کسی که به تو علم می‌آموزد این است که او را بزرگ بداری و به مجلس درسش احترام بگذاری و به او گوش فرا دهی).

این مبانی نشان می‌دهند که معلم در اسلام، مرجعیت فکری و اخلاقی دارد و وظیفه او پرورش روح مسئولیت‌پذیری در برابر خالق و خلق (حق الله و حق الناس) است.

۳. مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، چرخش‌های تحول‌آفرینی برای نقش معلم پیش‌بینی شده است. طبق این سند:

۱. **تغییر نقش معلم:** نقش معلم از «انتقال‌دهنده دانش و آموزش‌یار» به «مربی، هادی و تسهیل‌کننده فرآیند یاددهی-یادگیری» و اسوه تربیتی تغییر می‌یابد.

۲. **تربیت تمام‌ساحتی:** آموزش باید در شش ساحت (اعتقادی-عبادی-اخلاقی، زیباشناختی-هنری، زیستی-بدنی، علمی-فناورانه، اجتماعی-سیاسی، و اقتصادی-حرفه‌ای) صورت گیرد. معلم مسئول است زمینه‌ساز تربیت دانش‌آموزان در تمام این ساحت‌ها باشد تا خروجی آن، شهروندی مسئول و آگاه باشد.

۴. نظریه‌های روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌شناسی آموزش

الف) نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا (نظریه الگوگیری)

بندورا (۱۹۸۶) در نظریه شناختی-اجتماعی خود نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از رفتارهای انسان از طریق «یادگیری مشاهده‌ای» (Observational Learning) و الگوبرداری شکل می‌گیرد. دانش‌آموزان به طور مداوم رفتارهای اخلاقی، نحوه مواجهه با مشکلات و میزان مسئولیت‌پذیری معلمان خود را مشاهده و درونی‌سازی می‌کنند. از این رو، منش عملی معلم قوی‌ترین ابزار تربیتی اوست.

ب) رویکرد تسهیل‌گری کارل راجرز

راجرز (۱۹۸۳)، از پیشگامان روان‌شناسی انسان‌گرایانه، معتقد است یادگیری واقعی زمانی رخ می‌دهد که معلم نقش تسهیل‌گر داشته باشد. در این الگو، معلم با ایجاد فضایی امن، توأم با احترام متقابل و پذیرش بی‌قاعده، به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا تفکر انتقادی را تمرین کنند، به آگاهی دست یابند و با پذیرش مسئولیت یادگیری خود، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تمرین نمایند.

ج) نظریه رشد اخلاقی لورنس کولبرگ

کولبرگ (۱۹۸۴) مراحل رشد اخلاقی را تبیین می کند. در مراحل پیشرفته رشد اخلاقی، فرد بر اساس اصول اخلاقی درونی شده و عدالت خواهی عمل می کند، نه ترس از تنبیه یا طمع پاداش. معلم مجهز به شایستگی های حرفه ای می تواند با طرح معماهای اخلاقی در کلاس درس، تفکر انتقادی دانش آموزان را تحریک کرده و رشد اخلاقی و مسئولیت پذیری آنان را به سطوح بالاتر ارتقا دهد.

پیشینه پژوهش

۱. پژوهش های داخلی (داخلی)

- رحیمی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «نقش الگوهای ارتباطی معلم-دانش آموز در پیش بینی مسئولیت پذیری اجتماعی و خودپنداره تحصیلی دانش آموزان متوسطه دوم» به روش توصیفی-همبستگی نشان دادند که رابطه مثبت و معناداری بین الگوهای ارتباطی گفت و گو محور و همدلانه معلمان با مسئولیت پذیری دانش آموزان وجود دارد. یافته های آن ها مشخص کرد معلمانی که از سبک های تسهیل گرانه و حمایتی استفاده می کنند، دانش آموزانی با مسئولیت پذیری اجتماعی و خودآگاهی بالاتر تربیت می کنند.
- سلیمانی و موسوی (۱۴۰۱) در مطالعه ای با موضوع «بررسی جایگاه معلم به عنوان مربی در تحقق ساحت تربیت اجتماعی-سیاسی سند تحول بنیادین» که به روش کیفی و تحلیل مضمون انجام شد، به این نتیجه رسیدند که ویژگی های اخلاقی و شایستگی های حرفه ای معلم، پیش نیاز اصلی تحقق اهداف سند تحول است. بر اساس یافته های این پژوهش، معلمان از طریق تقویت مهارت های تفکر انتقادی و سواد رسانه ای در کلاس درس، نقش واسطه ای در تبدیل دانش آموزان به شهروندانی آگاه و پویا ایفا می کنند.
- کرمی و کریمی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین عدالت آموزشی ادراک شده از سوی معلم با مسئولیت پذیری اخلاقی و تعهد تحصیلی دانش آموزان» به روش پیمایشی نشان دادند زمانی که دانش آموزان رفتار معلم را عادلانه و منصفانه ادراک می کنند، انگیزه درونی آن ها برای پذیرش مسئولیت های کلاسی و اجتماعی به طور معناداری افزایش می یابد. رفتارهای عادلانه معلم به عنوان یک الگو، رفتارهای مسئولانه را در دانش آموزان بازتولید می کند.

۲. پژوهش های خارجی (بین المللی)

- برکوویتز و بید (Bier, & Berkowitz, ۲۰۲۱) در پژوهشی جامع با عنوان «آموزش شخصیت و نقش معلمان در توسعه اخلاقی جوانان» به این نتیجه رسیدند که معلمان تأثیرگذارترین عامل مدرسه در رشد اخلاقی و مسئولیت پذیری دانش آموزان هستند. آن ها نشان دادند که برنامه های تربیت اخلاقی در مدارس تنها زمانی موفق می شوند که معلمان خود به عنوان الگوهای اخلاقی عمل کرده و از شیوه های تدریس مشارکتی سود جویند.
- پاتریک و همکاران (Patrick et al., ۲۰۲۲) در مطالعه ای با عنوان «رابطه ساختار کلاس درس، رفتارهای معلم و مسئولیت پذیری اجتماعی در بین نوجوانان» که به روش مدل سازی معادلات ساختاری انجام شد، دریافتند که حمایت عاطفی معلم و ایجاد ساختار کلاسی دموکراتیک، با رشد آگاهی مدنی و مسئولیت پذیری دانش آموزان رابطه مستقیم



دارد. معلمان تسهیل‌گر با کاهش کنترل مستقیم و افزایش مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها، استقلال و مسئولیت‌پذیری را ارتقا می‌دهند.

- وانگ و همکاران (Wang et al., 2023) در پژوهشی تحت عنوان «پرورش تفکر انتقادی و آگاهی اجتماعی دانش‌آموزان: نقش راهبردهای یاددهی-یادگیری معلمان» نشان دادند که استفاده معلمان از روش‌های یادگیری مسئله‌محور (Problem-based learning) و گفت‌وگوهای کلاسی، به شکل چشمگیری توانایی تحلیل انتقادی و آگاهی محیطی و اجتماعی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و آن‌ها را از حالت پذیرندگان غیرفعال به شهروندان کنشگر تبدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری از پیشینه‌ها (مبنای نوآوری تحقیق):

مرور پیشینه‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که پژوهش‌های گذشته بیشتر به صورت جزیره‌ای به یکی از ابعاد (مانند مسئولیت‌پذیری تحصیلی یا صرفاً رابطه معلم-دانش‌آموز) پرداخته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در این است که با تلفیق منابع دینی و نظریه‌های نوین تربیتی، به صورت همزمان نقش جامع معلم را در دو بعد «آگاهی» (تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای) و «مسئولیت‌پذیری» (تعهد اخلاقی و اجتماعی) در قالب یک الگوی یکپارچه و کاربردی ارائه می‌دهد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تغییرات پرشتاب دنیای امروز در سایه فناوری‌های نوین ارتباطی و رسانه‌های جمعی، ساختارهای فرهنگی و تربیتی جوامع را دستخوش تحولات عمیقی کرده است. در این میان، نهاد آموزش و پرورش بیش از هر زمان دیگری با چالش تربیت نسلی روبروست که باید همزمان با کسب دانش علمی، از آگاهی عمیق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برخوردار باشد. پرداختن به موضوع «جایگاه معلم در تربیت نسل آگاه و مسئولیت‌پذیر» از چند منظر کلیدی دارای اهمیت و ضرورت حیاتی است:

۱. ضرورت دینی و مکتبی (پاسخ به رسالت انبیا)

از منظر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، هدف غایی آموزش، عبور از دانایی صرف و رسیدن به «تزکیه، بصیرت و تقوا» است. در جامعه اسلامی، معلم کارگزار فرهنگی و استمراردهنده مسیر هدایت انبیا تلقی می‌شود. ضرورت دارد مشخص شود که معلم در دنیای معاصر چگونه می‌تواند با حفظ هویت دینی، رسالت خود را در پرورش دانش‌آموزانی که در برابر خالق، خود و جامعه احساس مسئولیت شرعی و اخلاقی می‌کنند، ایفا نماید. بازخوانی این نقش بر اساس قرآن و سیره معصومین (ع)، پاسخی علمی به نیازهای تربیتی بومی است.

۲. ضرورت راهبردی و سندمحور (تحقق اسناد بالادستی)

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان نقشه راه نظام تعلیم و تربیت کشور، بر تحول در نقش معلم از «آموزش‌یار» به «مری و راهنما» تأکید ویژه‌ای دارد. چرخش‌های تحول‌آفرین این سند زمانی محقق می‌شوند که معلمان شایستگی‌های لازم را برای تربیت تمام‌ساحتی دانش‌آموزان کسب کنند. بدون پژوهش علمی پیرامون ابعاد این جایگاه، امکان عملیاتی کردن ساحت‌های شش‌گانه تربیت (به‌ویژه ساحت اجتماعی، سیاسی و اخلاقی) میسر نخواهد بود؛ لذا این تحقیق برای ارائه چهارچوب‌های نظری و کاربردی به متولیان آموزش و پرورش ضرورت دارد.

۳. ضرورت اجتماعی و رسانه‌ای (مواجهه با بحران هویت و اطلاعات)

نسل جدید (به‌ویژه نسل زد و آلفا) در معرض سیل‌آسای اطلاعات، اخبار جعلی و فرهنگ‌های وارداتی از طریق فضای مجازی قرار دارد. این امر ریسک بالایی برای بروز بحران هویت، بی‌تفاوتی اجتماعی و کاهش روحیه مسئولیت‌پذیری به همراه دارد. ضرورت دارد معلمان به عنوان سپرهای دفاعی و هادیان فکری، دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی، تفکر خلاق و سواد رسانه‌ای مجهز کنند تا به «نسلی آگاه» تبدیل شوند که توانایی تحلیل درست مسائل روز را دارد.

۴. ضرورت روان‌شناختی و انگیزشی در مدارس

یافته‌های علمی نشان می‌دهند که سبک‌های نوین تدریس (همچون تسهیل‌گری) و شیوه‌های ارائه بازخورد مثبت از سوی معلم، محرک‌های اصلی انگیزش درونی دانش‌آموزان برای پذیرش مسئولیت هستند. با توجه به شیوع رویکردهای کنترل‌گرانه و سنتی در برخی مدارس، تبیین علمی رابطه بین رفتار الگووار معلم و رشد اخلاقی دانش‌آموزان، اهمیت بسزایی در تغییر نگرش معلمان و اصلاح ساختار مدیریت کلاس دارد.

خلاصه ضرورت پژوهش:

پژوهش حاضر از آن جهت اهمیت دارد که به جای نگاه تک‌بعدی، پیوند میان جایگاه الگویی معلم و شایستگی‌های شناختی (آگاهی) و رفتاری (مسئولیت‌پذیری) نسل جدید را تبیین کرده و با ارائه راهکارهای عملی مبتنی بر نیازهای بومی و روان‌شناختی، بسترساز ارتقای برنامه‌های توانمندسازی معلمان و کارآمدی سیستم آموزشی کشور می‌گردد.

اهداف پژوهش

هدف کلی

تبیین جایگاه و نقش معلم در تربیت نسل آگاه و مسئولیت‌پذیر با تکیه بر مبانی دینی، اسناد بالادستی و یافته‌های علمی.

اهداف جزئی

۱. شناسایی و تبیین مفهوم «نسل آگاه» و مؤلفه‌های آن در نظام تعلیم و تربیت.
۲. بررسی مفهوم «مسئولیت‌پذیری» و نقش آن در رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان.
۳. تحلیل جایگاه معلم به عنوان الگو، مربی و تسهیل‌گر در فرآیند تربیتی.
۴. تبیین نقش معلم در تقویت تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان.
۵. بررسی تأثیر رفتارهای اخلاقی، ارتباطی و حرفه‌ای معلم بر رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان.
۶. استخراج مبانی دینی و اسلامی مرتبط با شأن و کارکرد تربیتی معلم.
۷. تبیین جایگاه معلم در اسناد بالادستی، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۸. ارائه راهکارهایی برای ارتقای نقش معلم در تربیت نسل متعهد، آگاه و مسئولیت‌پذیر.

هدف کاربردی

ارائه چارچوبی برای توانمندسازی معلمان در جهت ایفای نقش مؤثرتر در تربیت اخلاقی، اجتماعی و فکری دانش‌آموزان.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

۱. معلم چگونه می‌تواند در تربیت نسل آگاه و مسئولیت‌پذیر نقش‌آفرینی کند؟

سؤالات فرعی

۲. نسل آگاه چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد؟
۳. مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان چگونه تعریف می‌شود و چه ابعادی دارد؟
۴. معلم به عنوان الگو و مربی چه جایگاهی در فرآیند تربیتی دارد؟
۵. رفتارهای اخلاقی و حرفه‌ای معلم چه تأثیری بر آگاهی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارد؟
۶. معلم چگونه می‌تواند تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای را در دانش‌آموزان تقویت کند؟
۷. مبانی دینی و اسلامی درباره جایگاه معلم در تربیت انسان چیست؟
۸. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چه نقشی برای معلم در تربیت تمام‌ساحتی دانش‌آموزان ترسیم کرده است؟
۹. چه راهکارهایی برای تقویت نقش معلم در پرورش نسل آگاه و مسئولیت‌پذیر وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. این مطالعه با رویکرد کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و داده‌های آن از طریق بررسی منابع مکتوب، شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، اسناد بالادستی آموزش و پرورش، آیات قرآن کریم و روایات اسلامی گردآوری شده است.

در این پژوهش، ابتدا مفاهیم کلیدی مانند معلم، تربیت، آگاهی، مسئولیت‌پذیری، تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای از منابع معتبر استخراج شد. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا، جایگاه معلم در تربیت نسل آگاه و مسئولیت‌پذیر بر اساس مبانی دینی، تربیتی و روان‌شناختی بررسی و تبیین گردید. همچنین برای تقویت بنیان نظری پژوهش، از دیدگاه‌های مطرح در حوزه روان‌شناسی تربیتی و اسناد رسمی، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بهره گرفته شد.

فرآیند تحلیل داده‌ها در این پژوهش به صورت کیفی و مبتنی بر استدلال منطقی انجام شد؛ بدین معنا که مفاهیم و یافته‌های گردآوری‌شده ابتدا طبقه‌بندی شده و سپس ارتباط میان آن‌ها با موضوع اصلی پژوهش تبیین گردید. بنابراین، این مقاله به دنبال آزمون فرضیه آماری نبوده، بلکه هدف آن تبیین، تحلیل و ارائه چارچوبی نظری درباره نقش معلم در تربیت نسل آگاه و مسئولیت‌پذیر است.

به طور خلاصه، ویژگی های روش تحقیق عبارت اند از:

- نوع پژوهش: کاربردی
- روش پژوهش: توصیفی-تحلیلی
- رویکرد: کیفی
- شیوه گردآوری اطلاعات: کتابخانه ای و اسنادی
- ابزار گردآوری داده ها: فیش برداری، مطالعه متون، مقالات و اسناد
- روش تحلیل داده ها: تحلیل محتوا و استدلال منطقی

یافته های پژوهش

بر اساس بررسی منابع دینی، اسناد بالادستی و یافته های پژوهشی، نتایج این مطالعه نشان داد که:

۱. معلم مهم ترین عامل تربیتی در مدرسه است و نقش او صرفاً به انتقال دانش محدود نمی شود، بلکه شامل هدایت فکری، اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان نیز هست.
۲. نسل آگاه نسلی است که علاوه بر برخورداری از دانش، توانایی تحلیل، نقد، تشخیص درست از نادرست و استفاده مسئولانه از اطلاعات را دارد. این آگاهی بدون حضور معلمی آگاه، توانمند و الگو امکان پذیر نیست.
۳. مسئولیت پذیری یک ویژگی اکتسابی است که از طریق تمرین، الگوگیری، تشویق و ایجاد فرصت برای مشارکت در مدرسه شکل می گیرد. معلم در این فرایند نقش اصلی را دارد.
۴. الگو بودن معلم از مؤثرترین ابزارهای تربیتی است. رفتار، گفتار، عدالت، نظم، صداقت و شیوه تعامل معلم با دانش آموزان بیش از آموزش های مستقیم بر شخصیت آنان اثر می گذارد.
۵. تقویت تفکر انتقادی و سواد رسانه ای از وظایف مهم معلم در عصر حاضر است؛ زیرا دانش آموزان در معرض حجم بالایی از اطلاعات درست و نادرست قرار دارند و نیازمند هدایت برای تحلیل و داوری صحیح هستند.
۶. مبانی دینی و اسلامی جایگاه معلم را بسیار والا دانسته و او را در مسیر هدایت، تزکیه و تعلیم انسان ها قرار داده اند. بنابراین، تربیت نسل آگاه و مسئولیت پذیر با رسالت دینی معلم سازگار است.
۷. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر نقش معلم به عنوان مربی، راهنما و تسهیل گر تأکید دارد و نشان می دهد که نظام آموزشی مطلوب، معلمی فعال و تربیت محور می طلبد.
۸. شیوه های تدریس مشارکتی، گفت و گو محور و مسئله محور در افزایش آگاهی، استقلال فکری و مسئولیت پذیری دانش آموزان مؤثرتر از روش های سنتی و حافظه محور هستند.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می دهد که معلم در تربیت نسل آگاه و مسئولیت پذیر، نقشی بنیادین و غیرقابل جایگزین دارد. در واقع، اگر آموزش و پرورش را فرآیندی برای ساختن انسان بدانیم، معلم اصلی ترین معمار این ساختن است. او نه تنها دانش را منتقل می کند، بلکه با رفتار، منش، روش تدریس و نوع ارتباط خود، ارزش ها و مهارت های لازم برای زیستن مسئولانه را در دانش آموزان نهادینه می سازد.

از سوی دیگر، شرایط پیچیده و متغیر جامعه امروز، اهمیت این نقش را دوچندان کرده است. در عصر رسانه، اطلاعات انبوه، تغییرات فرهنگی و چالش‌های هویتی، دانش‌آموزان بیش از هر زمان دیگری نیازمند معلمانی هستند که بتوانند آن‌ها را به تفکر، تحلیل، انتخاب آگاهانه و پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی سوق دهند. بنابراین، تقویت جایگاه حرفه‌ای و اخلاقی معلمان، به‌روزرسانی دانش و مهارت‌های آنان، و فراهم کردن بسترهای حمایتی مناسب، از الزامات تحقق این هدف است.

در مجموع می‌توان گفت که تحقق آرمان تربیت نسلی آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر، بدون بازتعریف نقش معلم به عنوان مربی، الگو و تسهیل‌گر یادگیری امکان‌پذیر نیست. هرگونه برنامه‌ریزی آموزشی که این حقیقت را نادیده بگیرد، در دستیابی به اهداف تربیتی با چالش جدی مواجه خواهد شد.

پیشنهادهای

۱. پیشنهادهای کاربردی

۱. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان با محوریت تربیت اخلاقی، تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای.
۲. تقویت روش‌های تدریس فعال، گفت‌وگو محور و مسئله‌محور در مدارس.
۳. توجه بیشتر به شایستگی‌های اخلاقی و ارتباطی معلمان در فرآیند جذب، ارزیابی و ارتقا.
۴. ایجاد فرصت برای مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی، اجتماعی و مدرسه‌ای به‌منظور پرورش مسئولیت‌پذیری.
۵. بازنگری در برنامه‌های درسی به‌گونه‌ای که آموزش‌ها از حالت صرفاً حافظه‌محور خارج شوند و به سمت تربیت تمام‌ساحتی حرکت کنند.

۲. پیشنهادهای پژوهشی

۱. انجام پژوهش‌های میدانی درباره تأثیر سبک‌های مختلف تدریس معلم بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان.
۲. بررسی نقش الگوی رفتاری معلم در شکل‌گیری آگاهی اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان.
۳. مطالعه تطبیقی میان مدارس موفق و ناموفق در زمینه تربیت نسل آگاه.
۴. پژوهش درباره رابطه سواد رسانه‌ای معلمان با توانایی آنان در هدایت دانش‌آموزان.
۵. بررسی دیدگاه معلمان، دانش‌آموزان و اولیا درباره جایگاه واقعی معلم در تربیت مسئولیت‌پذیری.

منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه. (ترجمه محمد دشتی). قم: انتشارات مشرقین.
۳. امینی، ابراهیم. (۱۳۹۵). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۴. رحیمی، حمید، و سلیمانی، مریم. (۱۴۰۲). نقش الگوهای ارتباطی معلم-دانش آموز در پیش بینی مسئولیت پذیری اجتماعی و خودپنداره تحصیلی دانش آموزان متوسطه دوم. فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۱۹(۶۸)، ۴۵-۶۲.
۵. سلیمانی، علی، و موسوی، سید محمد. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه معلم به عنوان مربی در تحقق ساحت تربیت اجتماعی-سیاسی سند تحول بنیادین. نشریه علمی تدریس پژوهی، ۱۰(۳)، ۱۱۲-۱۳۵.
۶. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۷. کریمی، رضا، و کریمی، فریبا. (۱۴۰۰). رابطه بین عدالت آموزشی ادراک شده از سوی معلم با مسئولیت پذیری اخلاقی و تعهد تحصیلی دانش آموزان. پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۵(۵۴)، ۷۷-۹۲.
۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

منابع انگلیسی (English References)

1. Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Prentice-Hall.
2. Berkowitz, M. W., & Bier, M. C. (2021). Character education and the role of teachers in youth moral development. *Journal of Moral Education*, 50(2), 143-156. <https://doi.org/10.1080/03057240.2020.1782845>
3. Kohlberg, L. (1984). *The psychology of moral development: The nature and validity of moral stages*. Harper & Row.
4. Patrick, H., Kaplan, A., & Ryan, A. M. (2022). Classroom structure, teacher behaviors, and social responsibility among early adolescents. *Journal of Educational Psychology*, 114(4), 812-828. <https://doi.org/10.1037/edu0000710>
5. Piaget, J. (1970). *Science of education and the psychology of the child*. Orion Press.
6. Rogers, C. R. (1983). *Freedom to learn for the 80's*. Charles E. Merrill Publishing Company.
7. Wang, L., Choice, J., & Lim, H. (2023). Fostering critical thinking and social awareness in students: The role of teachers' pedagogical strategies. *Teaching and Teacher Education*, 122, 103-118. <https://doi.org/10.1016/j.tate.2022.103945>